

سرشناسه	: قنبری، محمود، ۱۳۲۰-
عنوان و نام پدیدآور	: از طلوع فجر تا غروب شمس: زندگانی پیامبر اعظم (ص) / محمود قنبری (شاهد).
ممنیخصاب بشبر	: بهران: معلم دانش روز، ۱۳۸۹.
ممنیخصاب ظاهری	: ۲۴۲ ص.
شباک	: 978-964-7786-85-0
وضعبت فهرست نویسی	: قبا
موضوع	: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- شمر
موضوع	: شمر فارسی -- قرن ۱۲
موضوع	: شعر مذهبی -- قرن ۱۲
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ الف ۷۱۲/۲ : PIR۸۱۸۰
رده بندی دیوبی	: ۸۵۱/۶۲
شماره کتانبشاسی ملی	: ۲۰۹۰۳۲۰

نام کتاب: از طلوع فجر تا غروب شمس «زندگانی پیامبر اعظم (ص)»

نام مؤلف: محمود قنبری

ناشر: معلم دانش روز

تحریر متن و صفحه آرایی: لیداشیرازی - سعیده قنبری

طرح روی جلد: پروین نیکوزاد

سال چاپ: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: اصالت و سپند طلانی

نوبت چاپ: چاپ اول

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

بهاء: ۲۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-7786-85-0



9 789647 786850

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۷۸۶ - ۸۵ - ۰۰

ISBN : 978 - 964 - 7786 - 0

شماره تلفن جهت ارشاد نویسنده و ارائه نظرات: ۰۹۱۲۱۹۰۱۸۳۵

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي فطر الخلاق على الاذواق و السلائق و الصلوه و السلام على رسوله، الذي ارشد الناس الى الحقائق و على آله، الذين هم هداه الناس الى كنوز الدقائق.

طی حدود ۲ سال قبل، افتخار آشنایی با بزرگواری نصیبم گشت که ایمان و صداقت و شرح صدر و متانت از رفتار و گفتارشان، چهره می گشود و دیدار ایشان- که احیاناً فراهم می آمد- تدریجاً در جان و روحم، ارادت بی شائبه به جناب ایشان پدید آورد، به مرور زمان دریافتم که از اخلاصی در خور تحسین برخوردارند لذا به هر برهه ای که ایشان را زیارت می کردم و این دیدار هرچند که کوتاه و شاید هفته ای یکی دوبار دست می داد ارادت می فزونی می یافت. سرانجام با اهدا دیوانی که زندگانی حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) را به نظم کشیده اند - دیدم علاوه بر تدین و وقار- دارای ذوقی لطیف در انشاء شعر و حتی در نظم و شعر هردو- می باشند.

دیوانی که شما مطالعه کنندگان در پیش رو دارید شرح احوال پیامبر گرامی اسلام (صلوات الله و سلامه علیه و آله) در قالب اشعاری ارائه شده که رمیده از تکلف و تصنع و قابل درک و فهم همه افراد در سطوح متفاوت علمی است که مخلصانه به رشته نظم درآمد است.

ضمن این اشعار - که نتوانستم به علت ضعف بینایی، سراسر آنرا مطالعه کنم- نکات جالب اخلاقی و تربیتی نیز به چشم می خورد که بر رونق و اهمیت محتوای آن می افزاید. جناب آقای محمود قنبری - متخلص به شاهد - به سان شاعری بدیهه سرا در این دیوان نسبتاً کوتاه احوال سرور عالم را در قالب نظم به تصویر کشیده اند. هر چند این اشعار با بیانی فخیم و دشوار و پیچیده فراهم نیامده است لکن بی پیرایگی و طبع روان شاعر محترم این مزیت را در آن پدید آورده که همگان را در درک و فهم محتوای آن بی نصیب نمی سازد. این بنده ناچیز به سهم خود علاقه مندان را توصیه می کنم به مطالعه دقیق، این سخن نفر منظوم- در اطلاع بر احوال اشرف انبیاء (صلوات الله علیهم) مستفیض شده و بهره های وافری نصیب خود سازند.

از پیشگاه حضرت لایزل توفیقات فزونتری را برای این شاعر برومند آرزو می کنم و متقابلاً از جناب ایشان می خواهم در مظان استجابت و عوات این بنده عاصی را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

کتابه بيمنا الدائرة العبد المفتاق الی رحمه

ربه الغنى: محمدالباقر الحسينى المدعوب: حجتى المازندراني البابلى فى يوم الجمعة، السابع

من شهر رمضان المبارك سنة ١٤٣٠ = ١٣٨٨/٦/٦

و الحمد لله و صلى الله على محمد و آله الطاهرين، دکتر محمدباقر حجتى

فهرست

- ۱- مقدمه ۹
- ۲- خلق احسن ۱۵
- ۳- سوره مبارکه فتح ۱۶
- ۴- طلب لطف الهی ۱۷
- ۵- سرزمین حجاز ۱۸
- ۶- اجداد رسول ۱۹-۲۲
- ۷- صدشتو (خون بهای عبدالله) ۲۳
- ۸- میلاد پیامبر (ص) و دوران کودکی و جوانی رسول خدا ۲۹
- ۹- تجارت رسول خدا (ص) با مشارکت خدیجه (س) ۳۳
- ۱۰- ازدواج پیامبر (ص) ۳۷
- ۱۱- بعثت پیامبر (ص) ۴۱
- ۱۲- اولین مسلمان ۴۴
- ۱۳- ابو جهل قصد جان رسول خدا را کرد ۴۶
- ۱۴- اسلام آوردن بلال - عمار - یاسر - سمیه و اباذر ۴۹
- ۱۵- هجرت به حبشه ۵۱
- ۱۶- شعب ابوطالب ۵۸
- ۱۷- معراج پیامبر (ص) ۶۰
- ۱۸- هجرت به مدینه و حوادث غار ثور ۶۴
- ۱۹- ورود به مدینه و احداث مسجد قبا ۷۰
- ۲۰- تغییر قبله ۷۴

- ۲۱- جنگ بدر ۷۷
- ۲۲- سخنان پیامبر (ص) با کشتگان بدر ۸۱
- ۲۳- گریستن پیامبر (ص) به یاد خدیجه (س) ۸۴
- ۲۴- خواستگاری علی (ع) ۸۶
- ۲۵- ازدواج فاطمه (س) ۸۸
- ۲۶- نور خاتم ۹۱
- ۲۷- بخش دوم کتاب و وقایع سال دوم هجرت ۹۳
- ۲۸- نبره احد و وقایع سال سوم هجرت ۹۶
- ۲۹- عزیمت سپاه اسلام و آغاز نبرد احد ۹۹
- ۳۰- خطبه رسول خدا در منطقه احد ۱۰۲
- ۳۱- حفظه غسیل الملائک ۱۰۵
- ۳۲- جانفشانیهای امیر مؤمنان (ع) در نبرد احد ۱۰۸
- ۳۳- شکست مسلمانان در احد ۱۱۰
- ۳۴- بخش شایعه کشته شدن رسول خدا (ص) ۱۱۱
- ۳۵- شکستن دندان رسول خدا (ص) در احد ۱۱۴
- ۳۶- تجلیل جبرئیل از امیر مؤمنان (ع) ۱۱۶
- ۳۷- شهادت حمزه سیدالشهدا (ع) در احد ۱۱۹
- ۳۸- خاکسپاری شهدای احد ۱۲۳
- ۳۹- فداکاری نسیم زن فداکار در احد ۱۲۳
- ۴۰- بازگشت سپاه رسول خدا (ص) به مدینه ۱۲۶
- ۴۱- وقایع سال سوم هجرت ۱۳۰
- ۴۲- وقایع سال چهارم هجرت و حرمت شراب ۱۳۱

- ۴۳- وقایع سال پنجم هجرت و نبرد احزاب ۱۳۲
- ۴۴- حفر خندق به پیشنهاد سلمان ۱۳۳
- ۴۵- فداکاری امیرمؤمنان (ع) در نبرد خندق ۱۳۷
- ۴۶- کشته شدن عمرو بن عبدود در نبرد خندق ۱۴۱
- ۴۷- فرار ابوسفیان از منطقه خندق ۱۴۴
- ۴۸- هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه ۱۴۷
- ۴۹- وقایع سال ششم هجرت ۱۵۱
- ۵۰- بیعت رضوان ۱۵۳
- ۵۱- متن عهدنامه رسول خدا (ص) با مشرکین ۱۵۵
- ۵۲- نامه رسول خدا (ص) به قیصر روم ۱۵۷
- ۵۳- از غیب خبر دادن رسول خدا (ص) در کشته شدن پادشاه ایران ۱۶۰
- ۵۴- نبرد خیبر و وقایع آن ۱۶۳
- ۵۵- گشودن قلعه خیبر به دست امیرمؤمنان (ع) ۱۶۷
- ۵۶- قضیه فدک ۱۷۳
- ۵۷- وقایع سال هفتم هجرت و ورود رسول خدا (ص) به مکه ۱۷۵
- ۵۸- وقایع سال هشتم هجرت و نبردموته و شهادت جعفر طیار ۱۷۸
- ۵۹- عزیمت امیرمؤمنان (ع) به میدان نبرد و نزول سوره العادیات ۱۸۴
- ۶۰- عهدشکنی مشرکان و آمدن ابوسفیان به مدینه ۱۸۷
- ۶۱- فتح طائف و نزول جبرئیل (ع) ۱۹۰
- ۶۲- آماده شدن سپاه رسول خدا (ص) برای فتح مکه ۱۹۳
- ۶۳- اسلام آوردن ابوسفیان در حضور رسول خدا (ص) ۱۹۷
- ۶۴- محاصره مکه بوسیله سپاهیان اسلام ۱۹۹

- ۶۵- ورود سپاه اسلام به مکه وطواف کعبه ۲۰۳
- ۶۶- شستشوی کعبه با آب زمزم وشکستن بت ها ۲۰۸
- ۶۷- اعلام عفو عمومی وبیعت بارسول خدا(ص) ۲۱۲
- ۶۸- نبردحنین ووقایع آن ۲۲۰
- ۶۹- عزیمت سپاه اسلام به روم وتولد ابراهیم، فرزندرسول خدا(ص) ۲۲۲
- ۷۰- وقایع سال نهم هجرت وبازگشت سپاه اسلام از تبوک ۲۲۴
- ۷۱- عزیمت امیرمؤمنان(ع) به مکه وخواندن پیام برائت ۲۲۹
- ۷۲- مباحله رسول خدا(ص) بانجرانیان ۲۳۴
- ۷۳- وقایع سال دهم هجرت وحجۃ الوداع ۲۳۶
- ۷۴- خطبه رسول خدا(ص) در عرفات ۲۳۹
- ۷۵- بازگشت رسول خدا(ص) به مدینه وواقعه عظیم غدیر ۲۴۲
- ۷۶- صدورفرمان رسول خدا(ص) برای سرکوب رومیان وبیماری ایشان ۲۴۵
- ۷۷- فتنه اهل نفاق وسپاه اسامه ۲۴۷
- ۷۸- نامه ای که نوشته نشد ۲۴۸
- ۷۹- وداع رسول خدا(ص) درمسجد ۲۵۰
- ۸۰- تشدیدبیماری رسول خدا(ص) ۲۵۱
- ۸۱- رحلت جانگداز رسول خدا(ص) ۲۵۲
- ۸۲- مرثیه فراق ۲۵۳
- ۸۳- تشکرتنامه ۲۵۷
- ۸۴- مثنوی منظوم خطبه رسول خدا(ص) درماه مبارک رمضان ۲۵۸
- ۸۵- منابع وماخذ ۲۶۳

مقدمه



لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد

«سوره حديد آيه ۲۵»

حمد و سپاس خداوند جلال و جمال که هستی را با قدرت لایزال و اراده بی بدیل خویش بیافرید و آدمی را عصاره و خلاصه آفرینش قرار داد و او را سرآمد مخلوقات و موجودات عالم برگزید و انسان را بر همه آفریدگانش برتری بخشید و تکامل او را تقرب خود ساخت و برای رشد آدمی و سیر به مقام قرب، سفیران وحی و پیامبران خود را به سوی آنان گسیل داشت و علاوه بر حجت درونی و فطرت باطنی با ارسال رسل و انزال کتب بشریت را به هدایت بیرونی مفتخر فرمود.

درود مستمر و بی پایان بر همه پرچمداران توحید و هدایت که با رنج بی شمار و زحمت بسیار، بار سنگین هدایت انسان را در طول تاریخ بر عهده گرفتند و انسان ها را با طرق آسمان آشنا ساختند و آنان را به سرزمین وحی و شهود و دیار عشق و معبود رهنمون شدند.

سلام و صلوات بی انتها بر روح بلند و خورشیدسان نبی مکرم اسلام (ص) که چونان شمس پر فروغی بر حیات آدمیان تابیدن گرفته است و اینک قرن های طولانی است که بشریت مظلوم و تشنگان حقیقت از پرتو این شمس جهانشمول که تجلی توحید و عصاۃ حیات سلیم است، بهره ها جسته اند و هر روز بیش از پیش، دریای موج حق جویان عالم در بازگشت به حقیقت خویش و در آینه فطرت تصویر این نماد انسان کامل را می یابند و حلاوت معنویت و شکوه بندگی را از نگاه آن بزرگ مرد تاریخ انسان می نگرند.

درود و سلام بر خاتم پیامبران و ختم رسولان که خداوند حکیم، انوار وجود او را پیش از پیدایش هستی، بیافرید و حیات و آفرینش و افلاک را رهین منت او ساخت و هر دو جهان را به یمن وجود نازنین آن منتخب مبعوث، موجودیت بخشید و او را اول و آخر همه خلایق قرار داد و آنگاه در دایره تشریع، حبیب خود را در بیست و هفتم رجب المرجب سال ۶۱۰ بعد از میلاد حضرت مسیح (ع) به رسالت و نبوت برگزید و بعثت او را مبدأ ظهور دین کامل و تجدید حیات توحید در دنیای شرک و کفر و جاهلیت عرب مقرر داشت و او را رحمه للعالمین لقب نهاد و از قله حرا فروفرستاد تا چون طلوع خورشید بر انسان ها فرودآید و آنان را به صراط نور و بیداری و آزادی و کمال فرا بخواند.

صلوات دائمی بر آن رسول مبعوث و آن حراشین قله عشق که در بیابان تف و به دور از غوغای امپراطوری های بزرگ آن روز از شن زارهای صحرا و سنگ های داغ و سیاه سرزمین آفتاب به قله ملاقات و حرای توحید اوج گرفت و در سیر عبودیت پیشانی بر خاک نهاد و سر به افلاک برداشت و به همه انسان ها پیاموخت و ندا در داد که ای انسان های طالب کرامت، در پیشگاه حضرت حق به رسم تسلیم بر خاک درافتیدتا در آسمان ها به رسم یقین اوج گیرید که سفارت وحی در عزت تسلیم و ولایت خلق در بندگی خالق میسر است.

سلام بر آن انسان بلند آوازه ای که با «اسرای» خود و در آن لیلۀ مبارکه با (براق)^۱ افتخار از مسجدالحرام به مسجدالاقصاء درآمد و پیوند قیله گاه مؤمنان را به رمز معراج متجلی ساخت و از آنجا به دیار بی انتهای افلاک، گام کشید و از دایرۀ نفوذ و حوزه قدرت جبرئیل امین گذشت و تا «قاب قوسین او ادنا» پرکشید و رفت و در صیوروت^۲ و صعود به مرتبه کمال تا بدانجا اوج گرفت که حجاب های نور را از هم درید و جهان ماده و معنا را به هم درآمیخت و پرده های غیب را به جلوه های شهود و حزن فراق را به شوق وصال مبدل ساخت. درود خدا بر او باد که بار سنگین انسان بودن را که آسمان و زمین و کوه و دریا و دشت و صحرا و همه موجودات تاب پذیرش و تحمل آن را نداشتند بر دوش های استوار و امین خویش گرفت و از گذرگاه پرفراز و نشیب آفرینش عبور داد و حیرت فرشتگان را برانگیخت و به

(۱) براق: مرکبی که رسول خدا را به معراج برد (۲) صیوروت به معنی شدن

فرمان حق، آنان را به سجده درافکند و آدمی را به مهر (تبارک الله أحسن الخالقین) مفتخر ساخت.

درود خدا بر او باد که چونان صاعقه ای بر خرمن بیداد و ستم جباران و زورگویان زمان فرود آمد و مظلومان و ستمدیدگان و ضعیف داشته شدگان روزگار را کرامت و عزت بخشید و آنان را از گورستان هولناک تاریخ و از سیطره چکمه جلادان ستم و زورمندان غارت و حيله گران افسون بیرون کشید و در سرزمین (منا) به طواف برگرد خانه ابراهیم خلیل (ع) که اوج آزادی و رهائی است فراخواند و انسان ها را از خودپرستی و بندگی خدایان جهل رهائی بخشید و آنان را به سرمنزله پرستش خداوند عالمیان رهنمون ساخت.

اینک ای امین رسولان و ای خاتم امینان، تو را سپاس می گوئیم که بارسنگین امانت وحی را درشوق به کمال رساندن آدمیان بردوش گرفتی و با پرچم (قولوا لا اله الا الله فتلحقوا) از قله حرا فرود آمدی و از عرفات و مشعر و منا گذشتی و دایره حیات را به نور توحید منور ساختی، بنگر که انسان امروز نیازمندتر از همه ادوار تاریخ تشنه دریای ژرف تعالیم الهی توست و علیرغم وسوسه همه شیاطین جن و انس، بیش از همیشه دردل و جان به سوی معنویت رو کرده است و چنین است که بی شک فردای انسان را معنویت خواهد ساخت و انسان فردا

افزونتر از گذشته به اصالت خویش و یافتن «خود» گم‌شده اش خواهد پرداخت و در جذبۀ کمال بر قلۀ معرفت بالا خواهد رفت.

خداوندا، تو را به (آفریدگاریت) می خوانیم و به آن برگزیده بزرگ و به آن پیام آور عظیم و به آن حراشیش دیاروحی و به آن بُراق سوار سرزمین غیب، سوگند می دهیم که ما را از روندگان راه نبی خود قرار دهی و جرعه ای از سبوی آن مبعوث خبیر برکاممان فرورییزی و مسارا را از دریای معارف پیامبر و خاندان جلیلیش بهره مندگردانی و دنیای ما را آباد و در آخرت ما را از مقام قرب خودبرخوردار فرمائی.

ای رسول خدا(ص)، تو را همچون یک بنده بی مقدار، درود می گویم که مرا در زمرة ارادتمندان و محبان خودپذیرفتی و به مدد روح بلند خویش، گام کلک شکسته ام را روان ساختی و این توفیق را به لطف پروردگار جهان مرحمت فرمودی تا حیات طیب تو را با بضاعت مضجعه و سرمایه اندک و دانش قلیل از جان جوشان خودبرگیرم و با لسان نظم برپهنه کاغذجاری کنم تا بدینسان در زمرة خوشه چینان کشتزار بی پایان عظمت وجودت قرار گیرم. ای رسول امین وای مولی و مقتدای همه دلدادگان گلزار توحید، بی تردید اگر مدد نمی نمودی و به یاری این قلم بال شکسته و پرسوخته برنمی آمدی نقطه ای بر دل کاغذ نمی رفت و مرا هیچ یارای آن نبود که این جسارت بر خود روا دارم و بدین دریای ژرف و موج

درآیم و جرعه نوش این جام تشنه سوز و عطش ساز تو گردم. همواره در طول راه، این لطف و عنایت تو را به وضوح می دیدم و هر کجا که درمی ماندم روی بر آستان تومی نمودم و با سلامی به ساحت افلاک آرای تودوباره پرمی کشیدم و می رفتم و به تکرار آن دل می بستم تا بدیشان جلد نخست این منظوم به نام (از طلوع فجر تا غروب شمس) به صحنه کاغذ نشست و پس از چندی که لطف حق و گردش چشمان تو همچنان مدد کرد، این نقیصه با مجلد ثانی فراهم آمد و مجموعه ای شد، واحد تاخوانندگان رادر جریان اجمالی حیات پرفروغ رسول خدا (ص) قرار دهد.

در خاتمه این مقدمه، وظیفه می دانم مراتب سپاس و تشکر خود را به حضور همه عزیزانی که به نوعی در تحریر و تنظیم و تجلید و ویرایش و چاپ این مجموعه یاری کردند و مدد نمودند اعلام دارم و از خدای محمد (ص) پاداش این خدمت را رضوان الهی و عزت دارین مسئلت نمایم. از او که مصدر همه وجود است به دعا طلب می کنم که یاری دهندگان این قلم را در برکت این اثر، سهمیم و شریک بدارد و آنان را در ظل عنایات خود قرین عافیت گرداند و از کوثر زلال حیات طبیب سیراب سازد.

(الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین)

محمود قنبری (شاهد) - ذیحجه ۱۴۲۷ مصادف با دی ماه ۱۳۸۵